

معلم و

دانش آموزان

"آهسته گام"

در بخش نخست این مقاله که در شماره قبل از نظر خوانندگان ارجمند گذشت، ضمن بیان این نکته که از اصلی ترین رسالت های معلمان بصیر و آگاه در فرایند تعلیم و تربیت، توجه به ویژگی های زیستی، شناختی، عاطفی و خانوادگی فراگیران و نسبت چگونگی رفتار تحصیلی ایشان است، ویژگی های زیستی دانش آموزان "آهسته گام" به تفصیل بیان شد. اینک توجه اولیاء و مربیان دلسوز را به ویژگی های شناختی دانش آموزان "آهسته گام" جلب می نمایم.

ویژگی های شناختی دانش آموزان "آهسته گام"

توجه به ویژگی های شناختی، توانمندیها و محدودیتهای ذهنی و ظرفیت یادگیری کودکان ونوجوانان آهسته گام، در امر تنظیم برنامه ها،

دکتر غلامعلی افروز



دروس پایه آموزشگاهی بهره‌مند شوند. بدیهی است که هر قدر مواد آموزشی عینی‌تر و کاربردی‌تر باشد، قدرت یادگیری این قبیل بچه‌ها افزایش می‌یابد.

اصلی‌ترین مشکل این کودکان در یادگیری دروس آموزشگاهی، در زمینه "خواندن" مشهود می‌گردد. در واقع برای کودکانی که تازه وارد مدرسه شده، مشغول فراگیری مواد درسی آموزشگاهی می‌شوند؛ "خواندن" به مثابه پیچیده‌ترین فرایند ذهنی که مستلزم هماهنگی و ادراک بصری، نگاه‌داری ذهنی، بازشناسی، رمزگردانی و بازگویی نمادهای مکتوب می‌باشد، امری است بسیار مشکل. بسیاری از کودکان قبل از ورود به مدرسه از عهده مشق‌نویسی (رونویسی و کپی کردن)، نقاشی خطوط، حروف، کلمات و تصاویر برمی‌آیند و عمدتاً با مفاهیم اصلی ریاضی (کم، زیاد، کمتر، بیشتر، بالا، پایین، بزرگتر، کوچکتر، اول، بعداً، جلو، عقب و...) سر و کار داشته‌اند، اما آمادگی، فرصت و تجربه "خواندن" به معنای دقیق کلمه را نیافته‌اند. از این‌رو مهم‌ترین "کنش ذهنی" در سالهای آغازین مدرسه برای همه کودکان، بخصوص کودکان آهسته‌گام، مهارت خواندن است؛ مهارتی که بیشتر از سایر اکتسابها و مهارتهای تحصیلی بدان نیاز دارند. همواره در کودکان دبستانی، رابطه محسوسی بین مهارت "خواندن" و بهره‌های ایشان قابل مشاهده است. به دیگر سخن، عموماً آن دسته از کودکانی که در سالهای آغازین دبستان، خواندن را به خوبی و در زمان کمتری می‌آموزند، نسبت به همسالانی که به‌رغم سلامت دستگاه بینایی، شنوایی و گویایی در

اتخاذ روشهای مؤثر تدریس، تعیین کیفیت و کمیت مواد آموزشی، تکالیف درسی و پیش‌بینی رفتار تحصیلی ایشان بسیار مهم و از اساسی‌ترین رسالتهای مربیان بصیر و متعهد است. در اینجا به برخی از ویژگیهای شناختی دانش‌آموزان "آهسته‌گام" اشاره می‌شود.

الف) هوش بهر کودکان و نوجوانان آهسته‌گام: بهره‌های هوشی کودکان آهسته‌گام به طور قابل ملاحظه‌ای پایین‌تر از میانگین هوش همسالانشان است. هوش بهر کودکان آهسته‌گام آموزش‌پذیر در حدود ۵۰ تا ۷۰ درصد می‌باشد و آن دسته از کودکان و نوجوانانی که بهره‌های هوشی آنها بالاتر از سطح آموزش‌پذیر و پایین‌تر از سطح متوسط است، ضمن اینکه از نظر تعریف، عقب‌مانده ذهنی محسوب نمی‌گردند، دیرآموز و مرزی نامیده می‌شوند و دارای هوش بهر ۷۰ تا ۸۵ هستند. بدیهی است که گروه دیگر نیز با دامنه‌های هوشی ۸۵ تا ۹۵، در مرز میانگین هوشی (۱۰۰) قرار دارند.

از نظر آماری حدود ۲/۵ درصد از جمعیت هر کشور دچار درجاتی از عقب‌ماندگی ذهنی هستند و حدود ۱۳ درصد از دانش‌آموزان هر کشور با بهره‌های هوشی ۷۰ تا ۸۵، به‌گونه‌ای در کلاسهای عادی جای گرفته‌اند.

ب) توانایی تحصیلی:

دانش‌آموزان آهسته‌گام به‌لحاظ محدودیت ظرفیت هوشی نمی‌توانند با همسالان عادی خود به رقابت تحصیلی بپردازند. کودکان و دانش‌آموزان آهسته‌گام عموماً قادرند در سنین مدرسه، در حد سوم تا چهارم ابتدایی، از

خواندن با مشکل مواجه هستند، از بهره‌هوشی بالاتری برخوردار می‌باشند.

از سوی دیگر می‌بایست توجه داشت که در غالب موارد، کودکانی که از مهارت بیشتری در خواندن برخوردارند، سازگاری رفتاری بهتری را در خانه و مدرسه نشان می‌دهند.

بدیهی است که از مهمترین عوامل مؤثر در سازش یافتگی شخصی و اجتماعی کودکان و نوجوانان آهسته‌گام در مراحل مختلف رشد، انجام فعالیت‌های اجتماعی و تقویت مهارت‌های شغلی و اشتغال مفید و توان ایشان در "خواندن" می‌باشد. بنابراین نحوه تهیه و تنظیم کتابهای درسی و روش تدریس معلم در تقویت مهارت "خواندن" دانش‌آموزان فوق‌العاده مهم و تعیین کننده است. تهیه مواد خواندنی کاربردی (به‌ویژه برای دانش‌آموزان آهسته‌گام، کسانی که دیر می‌آموزند و زود فراموش می‌کنند و در زمینه تفکر انتزاعی با مشکل جدی مواجه هستند) و توجه به ویژگیهای شناختی و فرایند یادگیری ایشان در تدریس، اساسی‌ترین گام در آموزش و توسعه "مهارت خواندن" است.

ج) محدودیت در حافظه:

کودکان و دانش‌آموزان آهسته‌گام از نظر حفظ و به‌خاطر سپردن دریافتهای سمعی و بصری، با محدودیت فوق‌العاده‌ای مواجه هستند. گرچه در تجزیه و تحلیل ساختار هوش، به "حافظه" به‌عنوان یکی از عوامل و شاخص‌های هوش اشاره می‌شود، اما در واقع امر، حافظه اصلی‌ترین بستر هوش است. بیشترین مشکل دانش‌آموزان آهسته‌گام در حافظه بلند مدت می‌باشد و هر قدر اطلاعات



دریافتی و یا یادگیریهای آموزشگاهی انتزاعی‌تر باشد، مشکل ایشان بیشتر مشهود می‌گردد. طبیعی است که کودکان آهسته‌گام بهتر می‌توانند اکتسابهای کاربردی، آموخته‌های تجربی و یادگیریهای عینی را به‌خاطر بسپارند.

د) محدودیت در تفکر انتزاعی:

کودکان و نوجوانان آهسته‌گام در درک و

گردد. پرواضح است که ایجاد انگیزه قوی در این دانش آموزان که عموماً با فقر انگیزشی قابل ملاحظه مواجه هستند، برای افزایش دامنه توجیه و تقویت قدرت فراگیری ایشان، از مهمترین اقدامات آموزشی است.

و) ضعف در تشخیص موقعیت‌های مطلوب: از جمله ویژگیهای شناختی کودکان و نوجوانان آهسته‌گام، ضعف ایشان در تشخیص موقعیت‌های مطلوب است، بدین معنا که این قبیل کودکان بعضاً به خوبی نمی‌دانند در کدام شرایط یا موقعیت خاص رفتار متناسب و مطلوب آموخته شده را نشان دهند.

مثلاً پوشیدن لباس گرم، رفتاری مطلوب برای شرایطی است که هوای محیط سرد است، اما این بچه‌ها عموماً برای پوشیدن لباس مناسب، به لحاظ عدم قدرت تشخیص موقعیت‌ها، نیاز به راهنمایی و هدایت دارند.

دختر نوجوان آهسته‌گام می‌آموزد که در حضور محارم مثل برادر و پدر و پدربزرگ، دایی و عمو، لازم نیست پوشش کامل داشته باشد و دست دادن با ایشان مانعی ندارد، اما تشخیص این موقعیت‌ها در مناسبات بین فامیلی و معاشرتهای اجتماعی برای نوجوانان آهسته‌گام چندان ساده نیست. تشخیص تفاوت پسر بزرگ عمه که هم سن و سال پدر او می‌باشد، با شخص عمو و یا تمیز دوست صمیمی پدر که شباهت ظاهری فوق‌العاده‌ای با دایی او دارد، از نظر محرم و نامحرم بودن، برای بچه‌های آهسته‌گام بسیار مشکل است و لذا در این قبیل موارد نیاز به آموزشهای مکرر و تنوع تجارب و هدایت و حمایت مستمر اولیای دلسوز و فهیم و مریبان بصیر و صبور دارند.

نگاه‌داری ذهنی مفاهیم انتزاعی با مشکل اساسی مواجه می‌باشند و از نظر رشد‌کنشهای ذهنی، عموماً در مرحله عملیات عینی قرار دارند و پرداختن به مفاهیم انتزاعی برای ایشان اگر بعید نباشد، بسیار دشوار است. به همین جهت می‌بایست در تنظیم مواد آموزشی و تدریس مفاهیم کلی، عنایت کافی به این مهم مبذول گردد. بدیهی است پر زحمت‌ترین کار مریبان بصیر، آموزش مفاهیم اخلاقی، باورها و ارزشهای دینی است که می‌بایست سعی نمایند این قبیل مفاهیم را با بهره‌گیری از شیوه تجزیه و تحلیل مفاهیم، ابزارهای هنری و تلاش در هرچه عینی‌تر و کاربردی‌تر کردن مفاهیم، به دانش آموزان انتقال دهند.

ه) دیرآموزی و زود فراموشی:

بدیهی‌ترین ویژگی شناختی کودکان و نوجوانان آهسته‌گام، دیرآموزی و زود فراموشی است، که با توجه به برخی دیگر از ویژگیهای ذهنی ایشان که پیشتر بدانها اشاره گردید، از قبیل: محدودیت هوشی، محدودیت حافظه و ضعف جدی در تفکر انتزاعی، امری کاملاً طبیعی می‌نماید.

برای اینکه این قبیل کودکان زودتر بیاموزند و دیرتر فراموش کنند، می‌بایست مریبان و معلمان آگاه و دلسوز همواره با چهره‌ای گشاده، با مهربانی و صبوری تلاش نمایند که مطالب آموزشی و پیامهای تربیتی خود را به صورت کاملاً عینی و کاربردی انتقال دهند، به گونه‌ای که علاوه بر تکرار درس به توسط معلم و غنی کردن ظرفیت یادگیری دانش آموزان، تکرار و تمرین مطالب آموخته شده به صورت طبیعی و در موقعیت‌ها و شرایط متفاوت انجام پذیر



دارند، تا به هیأت کلی یک شکل یا پدیده. به عنوان مثال زمانی که معلم سه نقطه (•••) و یا سه خط (△) را روی تخته کلاس ترسیم می نماید، این نقطه ها و یا خطوط، هیأت کلی مثلث شکلی را در نظر اغلب افراد مجسم می کند، اما کودکان آهسته گام عموماً به جای نگرش گشتالتی (کل نگری)، به نقطه ای از نقطه ها و یک خط از سه خط ترسیم شده می نگرند و در ابتدای توجه، لزوماً هیأت کلی (مثلث) در ذهن ایشان مجسم نمی گردد.

ط) توجه به شباهت ها در اشیاء و پدیده ها، و نه اصول و قواعد:

کودکان آهسته گام اغلب زمانی که با اشیاء، شکلها، نوشته ها و پدیده های مختلف مواجه می شوند، عمدتاً به شباهت ظاهری آنها توجه دارند و کمتر قادرند اصول مشترک و قواعد و قوانین حاکم بر آنها را درک نمایند. لذا از آنجا که این قبیل کودکان به هنگام یادگیری مطالب و موضوعات مختلف و آشنایی با اشیاء و

ز) ضعف در تعمیم موقعیت های مطلوب:

دانش آموزان آهسته گام علاوه بر ضعف در تشخیص موقعیت های مطلوب، در تعمیم یادگیریها و موقعیت های مطلوب نیز با مشکل قابل توجه مواجه هستند. مثلاً این کودکان سلام کردن به بزرگترها را به عنوان یک رفتار مطلوب می آموزند، و یاد می گیرند که به بزرگترها (پدر، مادر و معلم) سلام کنند، اما به لحاظ همان محدودیت ذهنی، ایشان بعضاً مفهوم بزرگترها را در مدار محدود مصادیق عینی معلم و پدر و مادر و احیاناً خاله و عمو و... یافته، در تعمیم این رفتار مطلوب و سلام کردن به میهمان غریبه ای که وارد منزلشان می شود و یا پزشکی که به مطب او می روند، با مشکل مواجه می شوند.

ج) جزء نگری:

کودکان آهسته گام اغلب هنگام نگاه کردن به اشکال و پدیده های مختلف، بر خلاف دیگر همسالان خود عمدتاً به اجزای آنها توجه

مستلزم صبوری و دقت و صرف وقت مجدد
مربیان است .

ی (کم توانی در انتقال یادگیری :

با توجه به برخی از ویژگیهای شناختی مورد
توجه در کودکان و دانش آموزان آهسته گام، نظیر
ضعف در تشخیص و تعمیم موقعیت‌های
مطلوب ، توجه به ظاهرها و شباهت‌ها، عدم
توانایی در توجه به اصول و قواعد حاکم بر
پدیده‌های مشابه و اشیای مختلف با کنشهای
همانند و ضعف در حافظه ، بسیار طبیعی و قابل
قبول خواهد بود که این قبیل دانش آموزان در
انتقال یادگیری با مشکل جدی مواجه باشند. به
بیان دیگر ایشان قادر نیستند به گونه‌ای که در
کودکان عادی قابل مشاهده است ، آموخته‌های
قبلی را به موقعیت‌های تازه یادگیری انتقال
دهند و در تعمیم اکتسابهای آموزشی به
طور خود جوش کوشا باشند. این کودکان
همواره به نظارت ، راهنمایی و آموزشهای
مستمر و حمایت متعهدانه اولیاء و مربیان خود
نیاز دارند.

تهیه و تدارک برنامه‌های آموزشی کاربردی
و عینی ، تنظیم و اجرای برنامه‌های توان بخشی
حرفه‌ای و توسعه تجارب مفید شخصی و
اجتماعی کودکان و نوجوانان آهسته گام، از
مهمترین وظایف و مسؤلیتهای خطیر مربیان ،
کارشناسان و کارگزاران آموزش و پرورش
استثنایی کشور است .

۱- عقب مانده ذهنی آموزش پذیر کسی است که
بهره هوشی او بین ۵۰ تا ۷۰ و از نظر رفتار
سازشی بانقایص جدی مواجه باشد.

2-FUNCTIONAL

پدیده‌های گوناگون ، عمدتاً به هیأت ظاهری
توجه می نمایند تا به وجوه مشترک، اغلب
توانایی لازم برای تجزیه و تحلیل آموخته‌ها را
ندارند و نمی توانند بر اساس قواعد و قوانین
حاکم بر یک موضوع ، موضوعات دیگری را که
از نظر قواعد مشابه هستند ولیکن شباهت
ظاهری ندارند، سریع تر بیاموزند. مثلاً " برای
کودکان آهسته گام درک سریع این مطلب که
پنکه پایه دار و پنکه سقفی و کولر گرچه به هم
شبهه نیستند، اما اصول حاکم بر آنها یکی است
و هر سه خنک کننده هستند، بسیار مشکل
است . و یا وقتی که کودک کلمه "انار" را
می آموزد، لزوماً نمی تواند کلمه " نار " را هم
بخواند، چون این دو کلمه در ظاهر با هم فرق
دارند، گرچه حروف آنها مشترک است .

بنابراین باید مربیان بصیر دقت داشته باشند
که هر کلمه یا موضوعی که از نظر اصول و
قواعد با کلمات و موضوعات تدریس شده
شباهت کامل داشته، اما از نظر ظاهر متفاوت
باشد، نیازمند تدریس جداگانه است .

دانش آموزان آهسته گام که در کارگاههای
حمایت شده فنی با یک دستگاه بسته بندی به
خوبی آشنا شده، از عهده کار با آن دستگاه بر
می آیند، چنانچه موقعیتی فراهم شود که این
دانش آموزان با دستگاه مشابه ، اما از نظر اندازه
فوق العاده بزرگتر کار کنند، اگرچه هر دو
دستگاه از نظر اصول و قواعد کاملاً یکسان
هستند، ولی از آنجا که از نظر ظاهر مثل هم
نیستند، لازم است مربیان مربوط فرایند
کارکردن با این دستگاه را نیز همانند دستگاه
قبلی آموزش دهند . بدیهی است انتظار می رود
که این یادگیری نسبت به یادگیری قبلی در زمان
نسبتاً کمتری انجام پذیرد، اما در هر حال